

فرستاده شد

سید جمال میرزا سید علی میرزا و پادشاه درود بر کرد

این نخستین نامه ای است که در سال ۱۲۸۵ با نام تو آغاز می کنم و برایت تند تند می آرزو دارم. خدا دلم نه
 بر تمامی دستارهای که دیگر شما عادت پیروز خدای شد. دل ام می خواهد که ترا به چشم دانه بیه بهمت و لطف
 که نیست که بیای آنجا و نگردد من این روز که افروغ بر خوانم که صدانی، گرفتار تا فرغانی آنجا شد در چشم خود میتم. اما
 امید می در شد و شور و زندگی ام می چرخد
 سید جمال، از تو سگرم که برای آنست که هر چه ام در ایران در امانت است نگاه آستانه کردی
 و جلد اول مجموعه استقامت چاپ شد که در دست دوست، انکه که بعضی از دوست که می خوانم به کج جا
 تشکر و در باب تکفاری که بر آن نوشته بودم که گزشت و در زنگه شرف است. از بنود تاریخ معاصر و بدون
 آن نظیر هم که برکت نوشته شده، خشنود و بنام، اما همین است که هست و خوب است که چاپ شد. با بر آقا
 مردمان شرفی گوینم.

میرزا علی میرزا
 میرزا علی میرزا

می بوسه با گریه و آرزو در دست تو جوان و میگویم تو
 هاله